Scientific Journal
ANDISHE-E-NOVIN-E-DINI
Vol. 20, Summer 2024, No. 77

Evaluation of Daniel Dennett's View on the Nature of Religion and Its Evolutionary Process in the Book Breaking the Spell, Based on Islamic Teachings

Seyyed Mohammad Hossein Abtahi[1] \ Abuzar Rajabi[2]

1. AM of Islamic studies, Islamic Maaref University, Qom, Iran (corresponding author).
mohammadhossein.abtahi@gmail.com
2. Associate professor, Islamic Maaref university, Qom, Iran.
rajabi@maaref.ac.ir

Abstract Info

Article Type:
Research Article

Received:
2024.04.27
Accepted:
2024.12.02

Abstract

The book *Breaking the Spell*, written by Daniel Dennett, is one of the most important works of the new atheism movement. In this book, Dennett claims to investigate the phenomenon of religion with a scientific method and seeks to explain religion as a natural phenomenon and negate its transcendental origin. He tries to describe religion as a structure influenced by the natural evolution of culture, with its Darwinian logic. The problem of the current research is to explain and evaluate Dennett's claims regarding the definition and roots of religion and its evolution process, with a descriptive and critical method. The results of this study show that Dennett has challenges and errors in advancing goals such as introducing religion as a natural phenomenon and drawing the evolutionary algorithm of its origin and evolution. Ignoring the traditional studies of religion, denying the independent identity of religion and confusing religion with religiosity are some of these errors. However, Dennett has shown that he is very proficient in using the capacities of doubting in Darwin's theory, and this has doubled the importance of reviewing and criticizing his book.

Keywords Daniel Dennett, Religion, Atheism, Darwinian Evolution, Breaking the Spell, Islamic Teachings.

Cite this article: Abtahi, Seyyed Mohammad Hossein & Abuzar Rajabi (2024). Evaluation of Daniel Dennett's View on the Nature of Religion and Its Evolutionary Process in the Book Breaking the Spell, Based on Islamic Teachings. *Andishe-E-Novin-E-Dini*. 20 (2). 45-66. DOI: https://doi.org/10.22034/20.77.43

DOI: https://doi.org/10.22034/20.77.43

Publisher: Islamic Maaref University, Qom, Iran.

مجلة علمية
الفكر الديني الجديد
جامعة المعارف الإسلامية
السنة ٢٠ / الصيف عام ١٤٤٦ / العدد ٧٧

تقييم وجهة نظر دانيل دنت حول طبيعة الدين وتطوره في كتاب (فك التعويذة) استنادا إلي تعاليم الإسلامية

سيد محمدحسين ابطحي[١] / ابوذر رجبي[٢]

١. خريج ماجستيرفي قسم تدريس المعارف الإسلامية، فرع الأسس النظرية للإسلام، جامعة المعارف الإسلامية، قم، ايران (الكاتب المسؤول).
mohammadhossein.abtahi@gmail.com

٢. استاذ مشارك في فرع الأسس النظرية للإسلام، جامعة المعارف الإسلامية، قم، ايران.
rajabi@maaref.ac.ir

معلومات المادة

نوع المقال: بحث

تاريخ الاستلام: ١٤٤٥/١٠/١٨

تاريخ القبول: ١٤٤٦/٠٥/٣٠

ملخّص البحث

يعد كتاب "فك التعويذة" للكاتب دانيل دنت من أهم أعمال الحركة الإلحادية الجديدة. يدعي دنت في هذا الكتاب أنه يبحث في ظاهرة الدين بأسلوب علمي ويسعى إلى تفسير الدين كظاهرة طبيعية وينفي أصله الفطري. وهو يحاول وصف الدين بأنه بنية متأثرة بالتطور الطبيعي للثقافة، بمنطقها الدارويني. تتمثل مسألة البحث الحاضر في شرح وتقييم ادعاءات دنت فيما يتعلق بتعريف وجذور الدين وعملية تطوره، وذلك باستخدام المنهج الوصفي والنقدي. تظهر نتائج هذه الدراسة أن لدى دنت تحديات وأخطاء في تحقيق الأهداف مثل تقديم الدين كظاهرة من ظواهر هذا العالم ورسم الخوارزمية التطورية لأصله وتطوره. إن تجاهل الدراسات التقليدية للدين، وإنكار الهوية المستقلة للدين، والخلط بين الدين والتدين، هي بعض من هذه الأخطاء. إلا أن دنت أظهر أنه بارع جدًا في استخدام قدرات التشكيك في نظرية داروين، مما ضاعف من أهمية مراجعة كتابه ونقده.

الألفاظ المفتاحية دانيل دنت، الدين، الإلحاد، التطور الدارويني، كتاب فك التعويذة، التعاليم الإسلامية.

الاقتباس: ابطحي، سيد محمدحسين و ابوذر رجبي (١٤٤٦). تقييم وجهة نظر دانيل دنت حول طبيعة الدين وتطوره في كتاب (فك التعويذة) استنادا إلى تعاليم الإسلامية. *مجلة الفكر الديني الجديد*. ٢٠ (٢). ٦٦ ـ ٤٥. DOI: https://doi.org/10.22034/20.77.43

رمز DOI: https://doi.org/10.22034/20.77.43

الناشر: جامعة المعارف الإسلامية، قم، ايران.

نشریه علمی
اندیشه نوین دینی
سال ۲۰، تابستان ۱۴۰۳، شماره ۷۷

ارزیابی دیدگاه دنیل دنت درباره ماهیت دین و روند تکاملی آن در کتاب شکستن طلسم، براساس آموزه‌های اسلامی

سید محمدحسین ابطحی[۱] / ابوذر رجبی[۲]

۱. کارشناسی ارشد مدرسی معارف اسلامی، مبانی نظری اسلام، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول).
mohammadhossein.abtahi@gmail.com

۲. دانشیار گروه مبانی نظری اسلام، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.
rajabi@maaref.ac.ir

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی
(۶۶ ـ ۴۵)

تاریخ دریافت:
۱۴۰۳/۰۲/۰۸

تاریخ پذیرش:
۱۴۰۳/۰۴/۱۷

چکیده

کتاب شکستن طلسم، به قلم دنیل دنت، از مهم‌ترین آثار جریان الحاد جدید است. دنت در این کتاب مدعی بررسی پدیده دین با روش علمی است و به‌دنبال تبیین دین به‌عنوان یک پدیده طبیعی، و نفی منشأ ماورایی آن می‌باشد. او سعی دارد دین را برساختی متأثر از جریان تکامل طبیعی فرهنگ، با منطق داروینی آن توصیف کند. مسئله پژوهش حاضر، تبیین و ارزیابی ادعاهای دنت در رابطه با تعریف و ریشه‌های دین و روند تکامل آن، با روشی توصیفی و انتقادی است. نتایج این بررسی نشان می‌دهد دنت در پیشبرد اهدافی چون معرفی دین به‌عنوان پدیده‌ای این‌جهانی و ترسیم الگوریتم تکاملی پیدایش و تحول آن، دچار چالش و خطاهایی است. نادیده‌انگاری مطالعات سنتی دین، نفی هویت مستقل دین و خلط دین با دینداری، بخشی از این خطاها است. با این حال دنت نشان داده است که در بکارگیری ظرفیت‌های شبهه‌سازی تئوری داروین، تبحر زیادی دارد و همین امر اهمیت بررسی و نقد کتاب او را دوچندان کرده است.

واژگان کلیدی
دنیل دنت، دین، الحاد، تکامل داروینی، کتاب شکستن طلسم، آموزه‌های اسلامی.

استناد:
ابطحی، سید محمدحسین و ابوذر رجبی (۱۴۰۳). ارزیابی دیدگاه دنیل دنت درباره ماهیت دین و روند تکاملی آن در کتاب شکستن طلسم، براساس آموزه‌های اسلامی. *اندیشه نوین دینی*. ۲۰ (۲). ۶۶ ـ ۴۵.
DOI: https://doi.org/10.22034/20.77.43

کد DOI:
https://doi.org/10.22034/20.77.43

ناشر:
دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.

مقدمه

دنیل کلمنت دنت دانشمند آمریکایی است که در زمینه فلسفه ذهن، فلسفه علم و فلسفه زیست‌شناسی، تألیفات فراوانی دارد. تمرکز او روی تئوری تکامل داروین، برای تبیین حوزه‌های متفاوت زیستی و فرهنگی انسان، از او داروینیسمی تمام‌عیار را به‌نمایش می‌گذارد.

دنت در کتاب ***ایده خطرناک داروین***، ایده تکاملی داروین را مانند اسیدی معرفی می‌کند که تمام نظریه‌های حوزه زیستی و فرهنگی را در خود هضم می‌کند و نظام جدید مبتنی بر علم، برای تبیین پدیده‌ها می‌آفریند. دنت در این کتاب از تمام محققان در رشته‌های متفاوت می‌خواهد از ارائه دانش خود به تئوری تکاملی داروین غفلت نورزند. او توضیح می‌دهد که چرا ایده داروین این‌قدر قدرتمند است و چگونه این ایده عزیزترین دیدگاه‌های ما از زندگی را بر پایه‌ای جدید قرار می‌دهد (Dennett, 1996: 11). در ادامه دنت کتاب ***شکستن طلسم*** را با هدف عرضه پدیده دین به تئوری تکاملی داروین به نگارش درآورد دنت تمام توان خود را در این کتاب صرف اثبات این‌جهانی بودن پدیده دین و ترسیم چگونگی شکل‌گیری و تکامل آن می‌کند (شهبازی، ۱۳۹۹: ۱۰۸).

این پژوهش سعی بر آن دارد تا در گام اول مبانی، روش و ادعاهای دنت در باب دین و دین‌پژوهی را تبیین و در گام بعد نقد و ارزیابی کند.

پیشینه تحقیق

«ژنوم خدا»[1] مقاله‌ای است از لئون ویزلتیر که علم‌گرایی مدنظر دنت را خرافاتی پرزرق‌وبرق معرفی می‌کند. عدم توجه دنت به مباحث فلسفی و تأکید او بر فهم تاریخی، دیگر انتقاد نویسنده به دنت است. او الگوریتم تکاملی مدنظر دنت را تنها یک داستان برخاسته از تفکر بیولوژیکی می‌داند که تکیه‌گاهی بر تحقیقات تجربی ندارد.

بیست‌ویکم فوریه ۲۰۰۹ بخش مرکزی انجمن فلسفی آمریکا شاهد مناظره‌ای میان آلوین پلانتینگا و دنیل دنت حول محور کتاب دنت بود. ادعای پلانتینگا در این مناظره، عدم تعارض علم و دین است. از نظر او، تئوری تکاملی معاصر با باور خداپرستانه ناسازگار نیست، بلکه با طبیعت‌گرایی ناسازگار است.

الحاد جدید نام کتابی در این زمینه از علی شهبازی است. مؤلف در این کتاب روی نقد و بررسی دو کتاب ***توهم خدا*** از داوکینز و ***شکستن طلسم*** از دنت تمرکز کرده است. همچنین دو مقاله با عنوان‌های «نظریه تکامل و سازگاری آن با آموزه‌های دینی در نظر الوین پلنتینگا و نقدهای دنیل دنت» و «تبیین نظریهٔ

1. The God Genome.

دین طبیعی با تأکید بر رویکرد فرگشتی دانیل دنت و نقدهای خداباورانهٔ آلوین پلنتینگا» به گزارش‌هایی درباره دین از نگاه دنت اشاره دارند.

مبانی، روش و ادعاهای دنیل دنت در حوزه دین‌پژوهی

در این قسمت سعی بر آن است که به مبانی فکری و معرفتی دنت و همچنین روش او در چگونگی پرداختن به تبیین‌های دین‌پژوهانه اشاره شود. در ادامه سه ادعای محوری از مجموعه ادعاهای دنت مربوط به پدیده دین در کتاب ***شکستن طلسم*** تبیین خواهد شد.

مبانی و روش دنت در دین‌پژوهی

شواهد آشکاری حکایت از آن دارد که دنت ماتریالیسمی[1] تکاملی از حیث انتولوژیک[2] است. مراد از ماتریالیسم همان نظریه‌ای است که واقعیت را معادل با ماده می‌داند و تمام جلوات آن را مادی تفسیر می‌کند. ازجمله تفاوت‌های نگاه ماتریالیستی قرن نوزدهم با گذشته تاریخی آن، چرخش دیدگاه مکانیستیک و استاتیک دانشمندان و فیلسوفان به سمت جلوه‌های ارگانیستی و تفکر تکاملی است (خاتمی، ۱۳۹۶: ۴۵۰). این چرخش مرهون موفقیت‌های نظریه تکاملی داروین در عرصه علم در این قرن است.

دنت برای توضیح دیدگاه‌های مبنایی خود وارد مباحث فلسفی به معنای عقلی آن نمی‌شود. این چیزی است که از آن تعبیر به نفی فلسفه مابعدالطبیعی در نظام فکری دنت شده است (همان: ۷۴۷). او سعی دارد به روش علمی به معنای تجربی آن، درباره جهان سخن بگوید، ولی این به این معنا نیست که ماتریالیسم مدنظر او تنها ماتریالیسم روش‌شناختی صرف باشد؛ چراکه نتیجه‌گیری‌های او بسیار فلسفی و حوزه طبیعت‌گرایی او بسیار هستی‌شناسانه است. در این دیدگاه، تنها معرفت‌هایی ارزشمندند که بتوان آنها را با روش‌های تجربی آزمود. به گمان او تعریف و نوع پرداختن به مباحث دینی در طول تاریخ فلسفه دین و الهیات، به‌گونه‌ای انتزاعی است و دست و پا زدن در این مفاهیم فلسفی مشکلی را حل نکرده است.

دنت در پی ارائه تعریفی عینی از دین است. او تحقق این امر را در پیراستن این تعریف از مفاهیم انتزاعی و به‌کارگیری روشی نوین در مطالعه دین می‌داند. دنت تأکید فراوانی بر لزوم تغییر نوع نگرش در مطالعات سنتی دین دارد. مهم‌ترین ملاکی که مطالعات دین را به دو دسته کلی سنتی و جدید تقسیم می‌کند توجه به ماهیت ماورایی داشتن دین در مطالعات سنتی است؛ به این‌گونه که هویت دین در نگرش سنتی، جز پیام الهی به بشر و پاسخ بشر به آن نیست. درمقابل، تلقی جدید از دین تحت تأثیر

1. Materialism.
2. Ontologie.

تفکرات رایج عصر مدرنیته است و در آن دین به‌عنوان واقعیت مادی و بشری دیده می‌شود (فرامرز قراملکی، ۱۳۹۵: ۶۰ ـ ۵۰).

دنت سعی می‌کند تحلیل و تفسیرش از مفاهیم ماوراءالطبیعی دینی، ازجمله مفهوم خدا، نه فلسفی، بلکه بیشتر با چاشنی روان‌شناسانه یا جامعه‌شناسانه باشد. او دیدگاه هیوم را ترجیح می‌دهد؛ آنجا که هیوم قائل است اولین آرا و نظرها درباره مفاهیم دینی از تعمق در طبیعت ـ در قالب اندیشه جهان‌شناسی ـ سرچشمه نگرفته، بلکه منشأ آنها دغدغه درباره رخدادهای زندگی و بیم و امید بی‌وقفه‌ای است که ذهن انسان را برمی‌انگیزاند (دنت، ۲۰۰۶ م: ۱۳۳). مهم‌ترین دلیل دنت برای پیگیری مفاهیم دینی در علومی ازاین‌دست، ریشه در عدم باور به وجود ذاتی متعین برای دین، جدای از پدیده انسان دارد.

دنت دلایل معرفی‌شده مرسوم عالمان علوم اجتماعی و روانی را که عمدتاً بر مبنای کارکردهای دین، وجود دین را توجیه می‌کنند، اقناع‌کننده می‌داند؛ دلایلی که دین را به‌عنوان مسکِّن در برابر ترس‌ها و جهل‌های بشری (پازارگاد، ۱۳۴۷: ۴) یا به‌عنوان پدیده ترغیب‌کننده همکاری گروهی (توکلی، ۱۳۸۹: ۲۱۲) معرفی می‌کند. با این حال، او اکتفا به این ادله را ارضای پیش‌ازموعد پژوهشگران دین می‌داند و می‌گوید ما می‌توانیم با تکیه بر تئوری تکامل، بهترین نسخه فعلی از روایتی را ارائه دهیم که علوم می‌توانند درباره چرایی تبدیل ادیان به آن چیزی که امروز شاهد آن هستیم تعریف کنند.

عینیت‌گرایی تجربی دنت منجر به آن می‌شود که بگوید شناخت دین از رفتار دینی دین‌داران میسر است، نه از طریق بررسی باور دینی. به‌نظر دنت، باور دینی امری غیرقابل‌شناخت برای تمام باورمندان حتی متخصصان رشته الهیات است (دنت، ۲۰۰۶ م: ۳۰۲ ـ ۳۰۱).

با حفظ تمام این مقدمات، تعریفی که دنت از دین ارائه می‌دهد این‌گونه است:

> دین نظام‌های اجتماعی است که مشارکت‌کنندگان در آنها، باور خود را وقف یک عامل یا عوامل فراطبیعی نموده‌اند؛ عامل فراطبیعی که ستایشش تنها در جلب رضایت اوست (همان: ۲۶).

ادعاها و استدلال‌های دنت درباره پدیده دین

در اینجا سعی می‌شود به محوری‌ترین ادعاها و مجموعه استدلال‌های دنت پرداخته شود؛ ادعاهایی که هریک متوقف بر دیگری است و سعی دارند هدف دنت از تألیف کتابش را تأمین کنند. این سه ادعا از این قرارند:

۱. دین پدیده طبیعی است؛

۲. دین پدیده متأخر تاریخی و متکامل است؛

۳. ذهن انسان خانه پیدایش دین است.

دین به‌عنوان پدیده‌ای طبیعی

یکی از مهم‌ترین ادعاهای مطرح‌شده در کتاب ***شکستن طلسم***، در این جمله نهفته است: دین پدیده طبیعی است؛ جمله‌ای که در نام کتاب نیز برجسته شده است. در نظر دنت، دین پدیده‌ای انسانی است که از رخدادها، ارگانیسم‌ها، اشیا، ساختارها و الگوهای انسانی تشکیل شده است. تلاش دنت برای تعبیر دین به پدیده‌هایی چون آداب، رسوم، صنایع و هنر، درحقیقت از برای عینی کردن حقیقتی است که مطالعه آن با روش‌های طبیعت‌گرایانه و تجربه‌محور ناممکن می‌نماید. این ادعا به‌طور خلاصه به این معناست که پدیده دین در امر پیدایش، گسترش و تحول خود، هیچ ارتباطی با عالم غیب ندارد و تبیین‌ها و توضیحات عینی علوم طبیعی، برای بیان چیستی و ماهیت آن، ما را از تفسیرهای ماورایی بی‌نیاز می‌کند. همچنین طبیعی بودن دین چنان است که آن را تابع قوانین فیزیک و زیست‌شناسی می‌کند (همان: ۴۴).

اما استدلال دنت بر این ادعا بر دو امر استوار است: یک، بی‌ثمر دانستن تلاش‌های فیلسوفان و متکلمان برای اثبات خدا به‌عنوان منشأ ماورایی پدیده دین. دنت برای تثبیت این امر سعی در نفی ادله نقلی و عقلی در باب اثبات وجود خدا دارد؛ دو، نفی پدیده اعجاز به‌عنوان دلیل ارتباط انسان با ماورای طبیعت.

از نظر دنت اعجاز در جغرافیای دین برای آن گنجانده شده است که اثبات کند دین با ماورا ارتباط دارد. دنت می‌گوید اگر معجزه‌ای در میان باشد، تنها راه اثبات آن برای افرادی که به این ادعاها با نگاه تردید می‌نگرند آن است که راه و روش علمی را پیش بگیریم؛ حال‌آنکه پیش‌فرض علم عدم پذیرش معجزه است. ازاین‌رو، علم هیچ‌گاه نمی‌تواند اعجاز را کشف کند و درنتیجه ارتباط دین و ماورا اثبات‌ناشدنی است (همان: ۴۵ ـ ۴۴).

در ادامه دنت می‌گوید: اگر مراد از دین همان تجربیات دینی، باورها، آداب، رسوم، تصنعات، تشکلات، مناقشات و تاریخ انسان خردمند است، فهرست مزبور به‌طورقطع گستره‌ای از پدیده‌های طبیعی خواهد بود (همان: ۴۹ ـ ۴۸). همچنین می‌گوید اگر دین را در قالب احوالات روانی دیدیم، خلسه‌های مذهبی و توهمات ناشی از مواد مخدر، هر دو، از یک جنس و قابل بررسی با مطالعات عصب‌شناسان و روان‌شناسان خواهند بود. ازاین‌رو، دین پدیده طبیعی است که شناخت آن تنها با روش‌هایی میسر و سودمند است که متناسب با همین تعریف انسان‌مدارانه از دین باشد.

دین پدیده متأخر تاریخی

دنت مدعی است که در دوره‌هایی از تاریخ انسان، هیچ دینی وجود نداشته است؛ نه‌تنها دین، بلکه او قائل است در دوره‌هایی از تاریخ، هیچ باوری درباره هیچ چیزی وجود نداشته است. در باور دنت دین تنها قسمت کوتاهی از تاریخ زیست انسان را به خود مشغول کرده است و درمقابل تاریخ طولانی حیات انسان

پدیده‌ای نوظهور محسوب می‌شود. دنت این ادعا را نه‌تنها درباره دین، بلکه راجع به هر نوع باور آگاهانه انسانی توسعه می‌دهد.

نظریه غیردینی بودن انسان‌های نخستین پیوند محکمی با دوران اوج رونق تکامل‌باوری دارد (الیاده، ۱۳۹۴: ۱ / ۲۴). لاوسن دراین‌باره می‌پرسد: پیشینیان ما قبل از آنکه دین پدید آید چگونه می‌زیستند؟ آیا مانند گله‌های حیوانی تنها دغدغه شکار و جفت‌یابی داشتند؟ آیا می‌توان فهمید سرزمینی که دین از آن برخاسته چگونه بوده است؟ (Lawson, 2002: 90) ادعای دنت درباره تاریخ پیدایش دین در راستای القای این مطلب است که ذهن انسان خردمند خانه پیدایش دین است.

ادله و شواهد دنت بر این مطلب از این قرار است:

اول، ممکن است تعداد ادیان در طول تاریخ به میلیون‌ها دین برسد و این تنوع، تکثر و نوبه‌نو شدن ادیان نشان از این دارد که پدیده دین امری همیشگی و ثابت در تاریخ زیست انسان نبوده است (دنت، ۲۰۰۶ م: ۱۳۰)؛

دوم، ادیان بزرگی چون یهودیت، مسیحیت و اسلام که گمان می‌رود ادیانی‌اند که پهنای تاریخ را پوشانده‌اند، در مقابل تاریخ پدیده‌های فرهنگی چون قدمت نگارش، کشاورزی و زبان، از عمر بسیار کمتری برخوردارند. پس می‌توان نتیجه گرفت انسان‌ها در دوره‌های طولانی، بدون باورهای دینی زیست کرده‌اند و در آن دوران نه خود احساس نیازی به دین داشته‌اند و نه عامل خارجی دین را بر آنها عرضه کرده است (همان). شاهد دنت بر این امر آن است که قدیمی‌ترین سند باستانی که از دین در اختیار است، به گورستان‌هایی در جمهوری چک برمی‌گردد که قدمتشان به ۲۵هزار سال پیش می‌رسد؛ حال‌آنکه قدمت زبان شاید به چهل‌هزار سال و شاید ده یا بیست مرتبه بیشتر از آن برگردد (همان: ۱۳۱).

دین محصول جانبی ذهن انسان

در اینجا با مهم‌ترین ادعای دنت روبه‌روییم. او در راستای ارائه تبیین مادی دین، دست به ترسیم فرایندی این‌جهانی، برای شکل‌گیری و تکامل دین می‌زند و بخش بزرگی از کتاب خود را به تبیین خاستگاه و تکامل دین اختصاص می‌دهد. این فرایند الگوریتمی منطبق بر فرایندهای تکاملی داروینی را به نمایش می‌گذارد که این بار به جای نشان دادن چگونگی تحول ژن‌ها، تحول و تکامل ایده‌ها را نشان می‌دهد.

در منظر دنت، دین ایده انسانی است که بر پایه الگوریتم مشخص و به مقتضای عملکرد خاص ذهن انسان، طی فرایند طولانی شکل گرفته و سپس تکامل یافته است. دنت مدعی است ذهن به‌عنوان خانه تولید دین، خود محصول فرایند تکامل و پدیده‌ای مادی است و برخلاف باور الهی‌دانان و فیلسوفان دکارتی، کارکرد غیرمادی و اعجازآمیزی ندارد. در این دیدگاه، ذهن، مغز و سیستم عصبی یک چیزند و

تفاوتی با دیگر سیستم‌های بدن، همچون سیستم تنفسی و هاضمه ندارند. ازاین‌رو، دین نیز به‌عنوان محصول ذهن انسانی، خود امر مادی و بی‌نیاز از تبیین‌های فرامادی است.

در نگاه دنت ابزارها و سامانه‌های ادراکی که ذهن به کمک آنها پدیده دین را می‌آفریند، از بنیادی‌ترین افعال و ادراکاتی هستند که متأثر از مهم‌ترین مبادی نظریه تکامل، یعنی جنگ بر سر بقا، ایجاد شده‌اند. یکی از این ابزارها چیزی است که دنت آن را موضع اسنادی[1] می‌نامد و آن موضعی است که جانوری هنگام رویارویی با موجودی که دارای باور و امیال است می‌گیرد؛ پدیده‌ای که زمینه‌های پیدایش ذهن و آگاهی از آن منبعث می‌شود (همان: ۱۴۰ ـ ۱۳۹). دنت متأثر از پاسکال بویر ذهن را چون کیسه پرحقه یا جعبه‌ابزاری[2] می‌داند که دین به‌عنوان محصول جانبی آن پدیدار می‌شود (همان: ۱۳۷). از میان تمام تردستی‌های عجیب این کیسه پرحقه چندتایی هستند که به شکل مشترکی در تعامل‌اند و الگوهایی را ایجاد می‌کنند که در فرهنگ‌های گوناگون با تفاوت‌هایی قابل مشاهده‌اند. برخی از این الگوها دین، شبه‌دین یا پیشادین‌ها هستند. بویر این محصولات جانبی را مفهومات[3] می‌نامد (Boyer, 2001: 50).

موضع اسنادی در حالت طبیعی نمی‌تواند مواد اولیه باورهای دینی را بیافریند، بلکه این موضع وقتی جوانه‌های باورهای دینی را در ما ایجاد می‌کند که استفاده از آن از کنترل خارج شود. برای مثال، وقتی کسی که او را بسیار دوست داریم می‌میرد، درواقع باید یک عامل اسنادی از ذهن ما کنار رود و ما با یک به‌روزرسانی ادراکی مواجه شویم. اما یادآوری مکرر و عدم تمایل به از یاد بردن آن فرد، به ما اجازه نمی‌دهد او را از خاطره خود حذف کنیم. ازاین‌رو، به جای حذف، او را برای خود جاودانه می‌کنیم و از او نشانه‌ها و داستان‌هایی می‌سازیم تا بتوانیم به زندگی با او ادامه دهیم. در این هنگام ما مفهوم وجود ناپیدا یا روح را به جای آن فرد قرار می‌دهیم و انسانی خیالی را خلق می‌کنیم. سنت خاکسپاری و مسائل پیرامونی آن، مسئله تابوهای حاصل از جسدهای متعفن و شکل‌گیری حرمت‌ها شرایط آشفته‌ای از دو حس علاقه و بیزاری را هم‌زمان ایجاد می‌کند. به گفته دنت، این بحران نقش اساسی را در ایجاد ادیان ایفا می‌کند (دنت، ۲۰۰۶ م: ۱۴۴ ـ ۱۴۳).

عامل تمام‌مشرف[4] به‌عنوان مبنایی که مفهوم خدا از آن سرچشمه می‌گیرد، دیگر ایده‌ای است که از قابلیت موضع اسنادی سر برمی‌آورد. انسان با داشتن چنین عامل تمام‌مشرفی، دیگر بر سر دوراهی تصمیمات سخت حاصل از فعالیت موضع اسنادی نخواهد ماند. به نظر دنت این همان نقطه‌ای است که

1. Adopting the intentional stance.
2. Set of gadgets.
3. Concepts.
4. Full access agent.

انسان را به سمت پیشگویی‌های کاهنانه سوق می‌دهد و از آنجاست که ریشه‌های باور به جهان غیب گشوده می‌شود.

دنت برای تکمیل الگوریتم خود از پدیده زبان سود می‌برد. دنت در کتاب ***از باکتری تا باخ***، مباحث فراوانی را در باب چگونگی ارتباط پدیده زبان با فرگشت فرهنگی انجام داده است. او در این کتاب سعی دارد اثبات کند ساختمان پدیده زبان، به‌گونه‌ای است که نیاز به طراح هوشمند ندارد، بلکه زبان نیز تحت تأثیر منطق تکاملی رشد کرده است. او برای آنکه نشان دهد پدیده زبان نیز یک پدیده فیزیکی است که باید با روش علمی مسائل آن را حل کرد، دوگانگی نوع و نمونه یا به تعبیر دیگر دوگانگی معنا و واژه را انکار می‌کند. از نظر او، تنها نمونه وجود دارد و نوع چیزی بیش از یک خصوصیت فیزیکی تکرارشونده نیست و از آنجا که بیرون از عالم فیزیکی چیزی وجود ندارد، معنای واژه نیز جز یک پدیده فیزیکی نیست (خیاط کاشانی، ۱۳۹۹: ۷۳ ـ ۷۲).

دنت زبان را که خود محصول فرگشتی است، نرم‌افزار ذهن می‌داند. به نظر او وقتی فیزیک مغز مسلح به نرم‌افزار زبان می‌شود، کارکرد ذهن آغاز می‌شود. با این توضیح، درک واژه‌های نخستین که درحقیقت بن‌مایه‌های زبان هستند نباید با ابزار ذهن صورت گرفته باشد، بلکه باید به صورت فیزیکی توضیح داده شود.

در نگاه دنت پدیده هوشمندی و آگاهی بعد از فعال شدن مم‌ها و به‌خصوص واژه‌ها به‌عنوان مهم‌ترین مصادیق مم‌ها، در دستگاه عصبی مغز صورت می‌گیرد. مم یا انگاره به‌عنوان مماثلی برای ژن است که کار انتقال ایده‌ها را از طرق مختلف گفتار و نوشتار و رسوم انجام می‌دهد.

نقد و بررسی مبانی، روش و ادعاهای دنت در خصوص دین

نقد مبانی دین‌پژوهی دنت

چنان‌که بیان شد، دنت ماتریالیسم تکاملی ناتورالیستی است. دیدگاه ماتریالیستی او منجر به نفی جهان فرامادی می‌شود. این اعتقاد دنت را مجبور به اتخاذ مواضعی خاص در تبیین اموری می‌کند که اساساً در قالب جهان مجرد تبیین می‌شوند و توجیه مادی آنها تا به امروز امری ناممکن است و آینده روشنی نیز برای آن متصور نیست. مفهوم آگاهی و اصل معرفت از مهم‌ترین این امور هستند. یکی از روش‌های نقد مبانی فکری دنت بررسی و ارزیابی همین دست از امور در فلسفه اوست. مفهوم آگاهی از مهم‌ترین مفاهیمی است که دنیل دنت در ترسیم الگوریتم شکل‌گیری سرچشمه‌های مفاهیم دینی با آن مواجه است. دنت در این زمینه دچار چالش‌هایی است که به بخشی از آن در این قسمت و به اهم آن در نقد ادعاهای دنت پرداخته خواهد شد.

دنت در حالی مدعی تبیین‌های مادی از آگاهی است که تفاوت حالات ذهنی و فیزیکی امکان این تبیین‌ها را باطل می‌کند. یکی از تفاوت‌ها در این میان آن است که امور ذهنی التفاتی‌اند و آگاهی درباره چیز دیگری رخ می‌دهد، اما معنا ندارد که یک شیء مادی درباره چیز دیگری باشد؛ یعنی شیء مادی اگرچه خود مورد التفات قرار بگیرد، نمی‌تواند چیزی را مورد التفات قرار دهد؛ چراکه فاقد حیث التفات است. همچنین حالات ذهنی به‌گونه‌ای شخصی‌اند و امکان تجربه مشترک درباره آنها نیست؛ حال‌آنکه شیء مادی مورد تجربه مشترک واقع می‌شود؛ چنان‌که همه ما از دندان‌درد یک تجربه مشترک داریم، ولی نمی‌توانیم درد دندان یک فرد خاص را تجربه کنیم (صادقی، ۱۳۹۳: ۶۲).

اما فیلسوفان مسلمان به علت پذیرش وجود عالم فراماده، مشکلی در تبیین چیستی آگاهی ندارند. علم و آگاهی در نظام معرفت‌شناسی فیلسوفان مسلمان صدرایی مساوق با وجود مجرد روشنگر تعریف می‌شود (خسروپناه، ۱۳۹۵: ۷۸)؛ چنان‌که علامه طباطبایی علم را حصول امر مجرد از ماده، برای امر مجرد (طباطبایی، ۱۳۸۳: ۳ / ۹۳۴) یا حضور وجود مجرد برای وجود مجرد (طباطبایی، ۱۴۳۰: ۱۷۳) نامیده است. با توجه به این تعریف، معرفت و آگاهی درحقیقت آن چیزی هستند که تنها در بستر جهان فراماده قابل تحقق‌اند و جهان ماده امکان وقوع و تبیین آن را ندارد. اما اثبات وجود جهان فرامادی فرایند مخصوص خود را در فلسفه مابعدالطبیعی اسلامی دارد که اساساً دنت بدون بررسی و نقد، آن را انکار می‌کند.

نفی جهان فراماده از جانب امثال دنت، به ادعای امکان به دست دادن تبیین‌های ملموس و علمی از پدیده‌های انسانی است و اگر دنت نتواند در ترسیم این تبیین‌ها موفق باشد، نمی‌تواند مدعی توسعه دیدگاه طبیعت‌گرایانه خود در تمام جلوه‌های انسانی باشد. تبیین‌ناپذیری آگاهی در بستر ماده، منجر به آن شده است که دنت در فلسفه تکاملی خود اساس آگاهی را زیر سؤال برد و آن را تنها یک توهم معرفی کند. نفی پدیده آگاهی حامل چالش‌های بزرگی در حوزه معرفت‌شناسی است. ازجمله آنکه معلوم نیست او چگونه می‌خواهد از طرفی آگاهی را توهم بداند و از طرف دیگر طرفدار علم، اگرچه از نوع تجربی آن، باشد.

نقد روش دین‌پژوهی دنت

در آن زمان که امکان بررسی فلسفی و الهیاتی ذات دین امری غیرممکن و بی‌فایده جلوه کرد، محققان دین‌پژوهی که تمایلات عینیت‌گرایی[1] در آنها وجود داشت، سعی در بررسی دین در قالب‌های علوم اجتماعی و روانی کردند. دست برداشتن از دین به‌عنوان ذاتی متعین و فروکاهیدن آن در دل علوم انسانی چیزی است که می‌توان از آن به تحویل‌گرایی[2] یاد کرد. در این دیدگاه، بحث از منشأ و کارکرد دین به

1. Objectivism.
2. Reductionism.

جای حقیقت دین می‌نشیند. تحویل‌گرایان طبیعت‌گرایی چون فروید سعی در تحویل دین به پدیده‌های روان‌شناسانه دارند و افرادی چون مارکس و دورکیم دین را به مثابه حقیقت اجتماعی تفسیر می‌کنند (خاتمی، ۱۳۸۸: ۵۰ ـ ۳۲).

بسیاری از اندیشمندان معتقدند این نوع نگاه منجر می‌شود که دین در دل پدیده‌هایی خارج از ذات خود مطالعه شود و صرفاً آثار، پیامدها و مناسبات آن با نهادها و ساختارها اهمیت یابد و به جای منشأ و پدیدآورنده دین، به کارکردهای آن از دید ناظر بیرونی تمایل نشان داده شود (فصیحی، ۱۳۹۰: ۹۰). میرچا الیاده در مخالفت با تحویل‌گرایی بر این باور است که این روش به جای آنکه به شناخت واقعیت‌های مرتبط به دین کمک کند، به تباهی و نابودی ماهیت متمایز پدیدارهای دینی می‌انجامد. در نگاه او قلمرو دین حوزه‌های مستقل و متفاوت است که به واقعیت دیگری قابل تحویل نیست. محقق امر دین باید به این اختلاف حوزه توجه داشته باشد (جوادی اسلم، ۱۳۸۷: ۱۳۳). این درست است که نمی‌توان پدیده‌های دینی را جدای از بافت فرهنگی، سیاسی و اقتصادی مطالعه کرد، اما این به معنای لزوم تحویل بردن دین به این پدیده‌ها نیست (قنبری، ۱۳۹۰: ۱۲۰). تحویل‌گرایی درحقیقت تلاشی جدید در حوزه دین‌پژوهی برای آن عده‌ای است که ناقد تلاش‌های دین‌پژوهانه سنتی‌اند. متفکران جهان غرب بعد از نقد روش‌های سنتی دین‌پژوهی سعی کردند از روش‌های جدید برای مطالعه دین سود برند؛ روش‌هایی که به اعتراف خود این محققان گاهی دین را در عمل دچار تقلیل و فروکاهش به غیر آنچه هست می‌کنند (لکزایی، ۱۳۸۷: ۱۴۳).

اشتراک تمام این نظریه‌پردازی‌های تکامل‌گرایانه درباره منشأ دین توجه به کارکردهای مؤثر دین به‌عنوان علل به‌وجودآورنده دین است. این نظریه‌ها ریشه دین‌داری را به جای منشأ دین نشانده‌اند (شجاعی زند، ۱۳۸۳: ۱۱۰)، درحالی‌که پذیرفتن هر ریشه و کارکردی برای دین‌داری، نسبت به قبول یا رد منشأ الهی و بشری و حتی تصادفی دانستن ظهور دین، بدون اقتضاست و نیاز انسان به دین و کارکردها و پیامدهای آن نشانگر منشأ و علت وجود دین نیست (پوریانی، ۱۳۹۳: ۱۵۶).

افرادی چون دنت با نفی عامل فاعلی و ایجادی، از عامل ایجابی دین سخن می‌گویند و بدون در نظر گرفتن استقلال وجودی دین، آن را متغیری وابسته به عوامل روانی و اجتماعی و طبیعی معرفی می‌کنند. نتیجه این دیدگاه متکثر تاریخی خارج شدن دین از ساحت قدسی خود، عرفی شدن دین و در انتها مواجه شدن با مشکلات کثرت‌گرایی دینی خواهد بود؛ کثرت‌گرایی‌ای که به بی‌معنا شدن بحث حقانیت و عدم حقانیت ادیان مختلف می‌انجامد؛ چراکه دراین‌صورت ملاک سنجش دین کارکردهای اجتماعی آن است و از طرفی هر دینی کارکردهای اجتماعی و به‌طور عام کارکردهای این‌جهانی خود را داراست. از همین روست که دورکیم همه ادیان را برحق می‌داند؛ چراکه همه به ضرورت‌ها پاسخ می‌دهند (Durkeim, 1954: 474).

اما دین در نگاه متفکران اسلامی پدیده‌ای عینی است که جدای از ذهن و فعل انسان، ذات و واقعیتی مستقل دارد. در این نگرش دین پدیده‌ای است که خاستگاه ماورایی دارد و با تمام ارتباط مستحکمی که با ذهن و فعل انسان دارد، می‌توان ماهیت آن را از جهتی غیرتحویل‌گرایانه توضیح داد. دین در نزد مسلمانان، مجموعه‌ای از آموزه‌های اعتقادی، اخلاقی و فقهی است که از جانب خدا برای هدایت و سعادت بشر تعیین و ارسال شده است. با توجه به این تعریف، دین مجعول و مخلوق خداست که از طریق آیات تشریعی کشف می‌شود (خسروپناه، ۱۳۸۸: ۶۳). مراد از پدیده بودن درباره دین آن چیزی است که در عالم معانی تحقق دارد و غالباً در ظرف متون وحیانی ظهور می‌یابد (ایرجی‌نیا، ۱۳۹۸: ۱۳۰).

دلیل امثال دنت در نفی حقیقت عینی واحد برای دین، و مطالعه آن در دل پدیده‌های دیگر از قرار نفی معناداری مفاهیم دینی و عدم امکان شناخت ذات ماوراءالطبیعی دین به وسیله دستگاه فکری انسان است. او در این ادعا چندان به پیش می‌رود که می‌گوید: باور دینی امری غیرقابل‌شناخت برای تمام باورمندان، حتی متخصصان رشته الهیات است (دنت، ۲۰۰۶ م: ۳۰۲ ـ ۳۰۱). در نقد دنت می‌توان گفت عدم راهیابی انسان به ذات یک پدیده و همچنین ارائه تعاریف و نظرهای متفاوت از آن، لزوماً مربوط به خود آن پدیده نیست، بلکه چه‌بسا این ابهام به فاعل شناسا برگردد. این نقد وقتی پررنگ‌تر می‌شود که بدانیم دنت هرگز در کتاب خود به ادله باورمندان به دین، به‌عنوان ذات متعین و فروآمده از عالم ماورا، ورود نکرده و اساساً مطالعات دینی او بر دین مسیحیت تمرکز داشته است و به‌واقع راجع به ادیان دیگر نمی‌تواند با اطمینان سخن بگوید. او خود اذعان می‌دارد که شاید می‌بایست برای نگارش کتابش بیشتر از این زمان صرف می‌کرده است (همان: ۱۵ ـ ۱۴).

با توجه به تعریف اسلامی از دین، دین فعل خداوند و تدین فعل بشر است و ازاین‌رو نمی‌توان احکام یکی را به دیگری سرایت داد. حتی در نگاه اسلام، دین از معرفت دینی نیز جداست. دین عبارت است از مجموعه‌ای از عقاید و احکام اخلاقی و فقهی، که مطابق با آن واقعیتی است که خداوند بر پیامبرش نازل کرده، اما معرفت دینی مجموعه دانسته‌هایی درباره سطوح مختلف دین است که انطباق آن با حقیقت دین گاه یقینی و گاه ظنی است (حسین‌زاده، ۱۳۸۵: ۲۷).

اما نقد دیگر بر روش دین‌پژوهی دنت آن است که او مبنای صحیح تحقیق دینی را تحقیق علمی دین به معنای تجربی آن با پیش‌فرض‌های پوزیتویستی می‌داند. او ارزش روش علمی را در به‌کارگیری مقررات و ضوابط بازدارنده در مراحل تحقیق می‌داند (دنت، ۲۰۰۶ م: ۴۵۵). این در حالی است که او برای بررسی تئوری تکاملی خود درباره دین، هیچ رویه یا آزمون تجربی را به کار نمی‌گیرد و تنها به گمانه‌زنی و تئوری‌پردازی کفایت می‌کند. ازاین‌رو وقتی کتاب خود را از این نوع شواهد تحقیقاتی خالی می‌بیند،

اذعان می‌دارد آنچه درباره ویژگی‌های مختلف دین به‌عنوان پدیده طبیعی بیان داشته، تنها نظریه و حتی پیش‌نظریه است که نیاز به پژوهش‌هایی در آینده دارد (همان: ۳۸۸ ـ ۳۸۶).

نقد دین به‌عنوان پدیده طبیعی

هدف اصلی دنت از معرفی دین به‌عنوان پدیده طبیعی نفی رابطه دین با ماورا و مُکفی دانستن تبیین‌های مادی از دین است. دنت با تقلیل پدیده دین به انگاره فرهنگی و لاغر کردن مباحث فلسفی و مابعدالطبیعی آن، مفهوم دین را هم‌سطح پدیده‌هایی چون زبان یا هنر و حتی جزئی و مصداقی‌تر چون موسیقی می‌داند. دنت اگرچه خود منتقد برخی خوانش‌های تقلیل‌گرایانه است، بر این باور است که ما می‌توانیم قرائت‌های مطلوب و ملایمی را داشته باشیم که حتی علوم اجتماعی را به علوم پایه‌ای چون زیست‌شناسی و فیزیک مربوط کند.

حال باید دید قرائت تکاملی دنت در توضیح دین تا چه مقدار می‌تواند در مقابل نقد تقلیل‌گرایی مقاومت داشته باشد؛ نقدهایی چون کلام میرچا الیاده که تبیین مذهب به وسیله یکی از کارویژه‌های اساسی را که در بازپسین مرحله انسان را تعریف می‌کنند، کاری عبث می‌داند (الیاده، ۱۳۹۹: ۱۷).

نکته دیگر آن است که از نظر دنت مهم‌ترین دلیل برای ارتباط دادن دین به ماورا، پدیده اعجاز است؛ حال‌آنکه پیش‌فرض علم عدم پذیرش معجزه است. ازاین‌رو، علم هیچ‌گاه نمی‌تواند اعجاز را کشف کند و درنتیجه ارتباط دین و ماورا اثبات‌ناشدنی است (دنت، ۲۰۰۶ م: ۴۵ ـ ۴۴). مشکل دنت دراین‌باره از آن نقطه آغاز می‌شود که او گمان می‌کند پدیده اعجاز واقعیتی است که فراتر از قانون علیت عمل می‌کند و از آنجا که علم به‌عنوان تنها روش قابل‌اتکا در شناخت واقعیات، تکیه بر قانون علیت دارد، اگر هم اعجازی رخ دهد، قابل بررسی و شناخت علمی نخواهد بود و ازاین‌رو، هیچ‌گاه قطعیتی از طریق معجزه حاصل نخواهد شد.

این در حالی است که متفکران اسلامی قائل‌اند که قانون علیت فراگیر است و معجزه نیز در بستر همین قانون عام رخ می‌دهد. ازاین‌رو، اعجاز اگرچه از محالات عرفی است، از محالات عقلی نیست. تفاوت میان روال عادی طبیعت و امور خارق عادت در آن است که در امور عادی روابط اسباب و مسببات و شرایط زمانی و مکانی آن قابل رؤیت و کشف تجربی است، اما در معجزات روابط اسباب و مسببات پنهان هستند (طباطبایی، ۱۳۶۲: ۲۴ ـ ۲۰). ازاین‌رو، وقوع اعجاز و همچنین شناخت آن امری ممکن است و مهم‌ترین نشانه امکان اعجاز وقوع آن است و مهم‌ترین مصداق آن را می‌توان قرآن کریم دانست؛ کتابی که متکلمان اسلامی به‌طور مفصل به اثبات جنبه‌های اعجازی آن پرداخته‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۱ / ۹۴).

از طرف دیگر، در نظام فکری الهیون، به‌خصوص متکلمان اسلامی، نظر مشهور بر آن است که دلالت معجزه بر اثبات نبوت و امامت است (قدردان قراملکی، ۱۳۸۳: ۱۵۰)، نه بر موضوعات دینی دیگری چون اثبات واجب‌الوجود یا جهان غیب. شاید انگیزه دنت از مخدوش کردن دلالت معجزه ازآن‌روست که برخی از مسیحیان، از معجزه برای اثبات واجب‌الوجود سود برده‌اند، ولی این مطلب دچار اشکالات متعدد است و به‌طور منطقی نمی‌تواند چنین دلالتی داشته باشد (جوادی آملی، ۱۳۹۲: ۲۶۰).

نقد دین به‌عنوان پدیده متأخر تاریخی

در حالی دنت دین را پدیده متأخر تاریخی می‌داند که به نظر معمول دین‌شناسان تاریخ دین با تاریخ بشر برابری می‌کند؛ به‌طوری‌که هیچ فرهنگ و تمدنی را در نزد هیچ قومی نمی‌توان یافت، مگر آنکه در آن فرهنگ و تمدن شکلی از مذهب وجود داشته باشد (ایورت، ۱۳۳۷: ۴۰). همچنین انسان‌شناسان و دین‌پژوهان هیچ برهه‌ای از حیات انسانی را سراغ ندارند که خالی از دین بوده باشد (شجاعی زند، ۱۳۹۱: ۷۸). دنت با دو دلیل به مخالفت با این عقیده پرداخت: دلیل اول تعدد ادیان را نشانه‌ای از تحول همیشگی آن و به نوعی دلیل بر جدید بودن آن می‌دید و دلیل دوم عمر کوتاه بزرگ‌ترین ادیان جهان در برابر پدیده‌هایی چون زبان را مستمسک ادعای خود قرار می‌داد. اما هر دو دلیل دنت مخدوش است. در دلیل اول، رابطه منطقی با ادعا یافت نمی‌شود. وجود مکاتب و مذاهب گوناگون اگرچه این شبهه را برای دین‌داران ایجاد خواهد کرد که نسبت دین من با غیر، در زمینه حقانیت چگونه است، درباره خاستگاه و قدمت ادیان شائبه‌ای ایجاد نخواهد کرد، بلکه موضوع برعکس است: وجود ادیان متکثر و متعدد نشان از یک حقیقت واحد و نیاز و کششی مشترک میان انسان‌ها دارد که دچار خوانش‌ها و برداشت‌های متفاوت شده است.

دلیل دوم نیز مخدوش است. دنت در حالی قدیمی‌ترین نشانه‌های دین‌داری را در کشفیات باستان‌شناسی مربوط به گورستان‌های کرومگنون[1] جمهوری چک با قدمتی بیست‌وپنج‌هزارساله معرفی می‌کند که انسان نئاندرتال با قدمت صدهزارسال دارای نشانه‌های عقاید دینی است (سلیمانی، ۱۳۹۰: ۱۲). از طرفی هر روز ممکن است کشفیات جدیدی رخ دهد و منجر به جابه‌جایی تاریخ‌های اعلامی شود. ازاین‌رو، به‌طور مطلق نمی‌توان با تکیه بر داده‌های باستان‌شناسی نظریات مطمئنی در باب تاریخ دین داد و آن را مستمسک ارائه نظریات فلسفی قرار داد.

اما نکته مهم در نقد دومین ادعای دنت آنجاست که او می‌گوید: زمانی بوده است که نه‌تنها باور دینی،

1. Cro – Magnon.

بلکه هیچ باوری وجود نداشته است. اگر مراد دنت از باور دینی باور به امر قدسی باشد، باور غیردینی اعم از هر نوع علم و آگاهی درونی انسان، بر هر قضیه‌ای خواهد بود. این مطلب اشاره‌ای است از جانب دنت به نظریه معرفت تکاملی[1] که با رویکردی طبیعت‌گرایانه[2] اصل معرفت را محصول تکامل زیستی می‌داند. شاید پیش از هرکس این خود داروین است که اصول حاکم بر ظاهر شدن اموری چون آگاهی، تفکر، زبان و اخلاق در انسان را حاصل تکامل زیستی معرفی کرد و ازاین‌رو، این خود او بود که بنیان‌گذار معرفت‌شناسی تکاملی شناخته شد (Wuketits, 1986: 90). در نگاه دنت انسانِ بدون‌باور احتمالاً حیوانی در مرز انسان است که از طرفی می‌توان به آن انسان گفت و از طرفی او حائز ویژگی‌های ذهنی انسانی نیست.

دراین‌صورت، مخالفان دنت خواهند گفت اگر ما بپذیریم که زمانی بوده که انسان بدون‌باور وجود داشته، دلیلش نبود قدرت پذیرش و شناخت باور بوده است، نه نبود حقیقتی که بتوان به آن باور داشت؛ مگر آنکه دنت بگوید اساساً کارکرد معرفت در انسان انکشاف واقع نیست؛ و این درست همان مسیری است که دنت با نفی مقوله آگاهی در آن گام برمی‌دارد.

نقد دین به‌عنوان محصول جانبی ذهن انسان

دنت کوشید اثبات کند دین ایده انسانی است که بر پایه الگوریتم تکاملی و به مقتضای عملکرد خاص ذهن انسان، طی فرایند طولانی شکل گرفته و تکامل یافته است. او مدعی است ذهن به‌عنوان خانه تولید دین، خود محصول فرایند تکامل و پدیده‌ای مادی است و برخلاف باور الهی‌دانان و فیلسوفان دکارتی، کارکرد غیرمادی و اعجازآمیزی ندارد. موضع دنت در این زمینه منجر به آن می‌شود که برای توضیح پدیده آگاهی دست به توجیه‌هایی بزند که هیچ‌یک اغناکننده نیست. تبیین مادی پدیده آگاهی دقیقاً همان نقطه‌ای است که تئوری تکامل در آن دچار بحران شده است و داروینیسم‌ها تاکنون در توجیه این پدیده ناکام مانده‌اند (دانشور نیلو، ۱۳۹۸: ۱۳).

یکی از کانون‌های بحران برای دنت جایگاهی است که موضع اسنادی در تبیین آگاهی نزد او ایفا می‌کند. در اینجا باید پرسید که چطور می‌شود که موضع اسنادی به‌عنوان عکس‌العملی در رابطه با چند موجود که بر سر منابع با هم مبارزه دارند، می‌تواند مبنایی‌ترین فعل ذهن باشد؟ درحالی‌که ذهن برای آنکه به چنین موضعی برسد، چندین مرحله از فهم، ادراک و آگاهی را طی کرده است و بدون کسب آگاهی در آن مراحل نمی‌تواند حامل چنین موضعی باشد؛ آگاهی‌های پایه‌ای‌تری ازجمله علم و آگاهی به

1. Evolutionary Epistemology.
2. Naturalistic.

وجود خود، علم به وجود عالم خارج، آگاهی از وجود عاملی دارای باور و امیال به‌عنوان حریف، و آگاهی‌های پایه‌ای بسیار دیگر. ازاین‌رو، با کمی دقت می‌توان فهمید که پدیده آگاهی و ذهن، قبل از هر موضع اسنادی، نزد هر موجودی که از این قابلیت برخوردار باشد، وجود دارد و این‌گونه نیست که ذهن و آگاهی متوقف بر فرایند تنازع بقا باشد.

حال به فرض آنکه پذیرفته شود این باورهای اسنادی غیرکنترل‌شده است که ریشه‌های آگاهی و با واسطه ریشه‌های باورهای دینی را آبیاری می‌کند، اما یک مسئله در اینجا بی‌پاسخ است: چه چیز منجر به آن می‌شود که این سیستم از روند عادی خود خارج شود؟ جواب دنت آن است که این امر ریشه در احساس لذتی دارد که در ذهن انسان بر اثر قوه خیال‌پردازی و حساسیت به ترکیبات خاص لغوی به وجود می‌آید. از طرفی قوه خیال در انسان نیز پدیده‌ای منبعث از صفت زبان‌پذیری انسان معرفی می‌شود. ازاین‌رو دنت زبان و ترکیبات لغوی را از مهم‌ترین انگاره‌هایی می‌داند که چون نرم‌افزار ذهن عمل می‌کنند و مقدمات ادراکات آگاهانه را می‌آفرینند.

اما نادیده‌انگاری نقش پیشینی آگاهی در شکل‌گیری زبان و مم‌های دیگر، منجر به بروز مشکلاتی در این نظریه خواهد شد. ادوارد فسر معتقد است در دیدگاه دنت، تعریف ذهن و مفهوم مم، به صورت دوری به یکدیگر متوقف است؛ چراکه مطابق ادعای دنت مم‌ها محصول ذهن و ذهن محصول مم‌هاست و زبان به‌عنوان مهم‌ترین مصادیق مم‌هاست. فسر که مدافع نقش پیشینی آگاهی و ذهن در شکل‌گیری مفاهیم و واژگان است می‌گوید هیچ برنامه یا الگویی قادر به راه‌اندازی خود روی ماده نیست، مگر آنکه نمادهای آن توسط کاربری که از ذهن بهره‌مند است معنا شود (خیاط کاشانی، ۱۳۹۹: ۷۸).

شاهد دنت برای آنکه نشان دهد در تکثیر و انتقال مم‌هایی چون لغات و الفاظ، نیازی به فهمیدن مفهوم و معنای آنها نیست، آن است که کودکان واژگان را بدون آنکه معنای آن را دریابند، به کار می‌گیرند؛ اما این سخن دنت دچار اشکال است؛ چراکه اگر چنین باشد، سخن گفتن کودکان درحقیقت مصداق کلام و مفاهمه نخواهد بود و اگر بگوییم کودک درکی از معنا و مفهوم واژه نزد خود دارد، معنا و مفهوم این نوع ادراک پیشینی نزد دنت نامشخص است. گویا دنت با جایگزینی اطلاعات سمانتیکی به جای معنا، قصد دارد با عبارات دیگری از معنا صحبت کند. دلیل این امر هم تأکید دنت بر کنار گذاشتن آگاهی از تفسیر عالم است. ازاین‌رو، دنت از خواننده خود می‌خواهد وجود اطلاعات سمانتیکی را بدون دلیل بپذیرد و کشف چیستی آنها را به تحقیقاتی در آینده حواله می‌دهد (همان: ۷۳).

در آخر دنت برای توجیه مادی بودن حقیقت علم و آگاهی و فرار از دوری که در آن گرفتار شده، مجبور است اصل پدیده آگاهی را انکار کند و آن را به توهمی که محصول تأثیر متقابل مم‌ها و دستگاه

عصبی است تقلیل دهد (همان: ۷۸ ـ ۷۷). اما چالش دنت با مقوله آگاهی ریشه در پیوند وثیق مقوله آگاهی با ایمان دینی دارد؛ چه آنکه امر قدسی عنصری در ساختار آگاهی است، نه مرحله‌ای در تاریخ آگاهی. الیاده میگوید تصور عمل کردن ذهن انسان بدون ایمان و یقین به این امر که واقعیتی کاهش ناپذیر در جهان وجود دارد، مشکل و غیر قابل تبیین است (الیاده، ۱۳۹۴: ۱ / ۲۶).

الگوریتم تکاملی دنت با انتقادات دیگری نیز روبه‌روست: روند تکاملی که دنت و امثال او از دین ترسیم می‌کنند یک روند الحادی است. این در حالی است که حتی اگر ما روند تکاملی دین را چنان‌که در این نظریه‌ها بیان می‌شود بپذیریم، این‌گونه نخواهد بود که تنها یک برداشت الحادی از آنها وجود داشته باشد، بلکه می‌توان خوانش‌های متفاوتی را متصور شد که الحادی نباشند؛ چنان‌که برخی این خوانش‌ها را تا شش عدد شمارش کرده‌اند که تنها یک مورد از آنها الحادی است (سلیمانی، ۱۳۹۰: ۱۹).

نقد دیگر آنکه روند تکاملی که دنت برای دین ترسیم می‌کند، مطابق با غالب دیدگاه‌های تکاملی است که سیر تکامل دین را از ادیان اسطوره‌ای، خرافی و شرک‌آلود، به سمت ادیانی با مفاهیم پیچیده توحیدی و سیستماتیک نشان می‌دهند. این در حالی است که تحقیقات ویلهلم اشمیت، کشیش مسیحی، نشان می‌دهد که دین نه از شرک، بلکه از توحید و یگانه‌پرستی آغاز شده و بعد به ورطه شرک سقوط کرده است (همان: ۱۸). اندرو لانگ نیز در اثری به نام ***ساخت دین***، دیدگاه تیلور مبنی بر این را که مفهوم توحید نمی‌تواند مفهوم اولیه باشد نقد می‌کند. لانگ در تحقیقات خود روی بومیان استرالیا هیچ اثری را مبنی بر نیاپرستی و آیین‌های طبیعت‌گرا نیافت (الیاده و اسماعیل‌پور، ۱۳۸۹: ۱۴۸ ـ ۱۴۷).

از طرف دیگر ترسیم دنت از تکامل دین یک روند یکنواخت، آهسته و غیرآگاهانه را به نمایش می‌گذارد. مکانیسم‌های شکل‌دهنده به این سیستم متأثر از منطق آزاد تکاملی، خالی از اهداف و غایات هستند. این در حالی است که تاریخ ادیان پر است از دگرگونی‌های انقلاب‌گونه و دفعی که به دست مصلحان اجتماعی رخ داده است؛ مصلحانی که به همراه خود نشانه‌هایی از پیامبری و ارتباط با عالم غیب را داشته‌اند. دنت در بررسی علمی خود از دین، هیچ‌گاه به این وقایع تاریخی اشاره‌ای نکرده و توضیح درخوری برای تبیین آنها ارائه نداده است.

در آخر اگر بخواهیم تناظری یک‌به‌یک میان سه ادعای دنت و آموزه‌های اسلامی مربوط به این ادعاها برقرار کنیم، می‌توانیم پیدایش دین را از سه منظر پیگیری کنیم: «الهی بودن منشأ دین»، «فطری بودن منشأ دین‌داری» و «اجتماعی بودن خاستگاه دین» (عادلی، ۱۴۰۱: ۴۸). تفاوت این سه منظر درباره دین نشانگر آن است که اولاً حقیقت دین ذات متعین، ماورایی و مخلوق خداست؛ در ثانی دین‌داری ریشه در فطرت ثابت آدمی دارد؛ ثالثاً شریعت که پاسخ‌گوی نیازهای جزئی و متغیر انسان است منطبق با شرایط زیستی و اجتماعی است (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۱۸۱).

الهی بودن منشأ دین حکایت از این باور دارد که دین ذاتی متعین و فراطبیعی دارد و مخلوقی از مخلوقات الهی است (ایرجی‌نیا، ۱۳۹۸: ۱۳۰). این دیدگاه تکیه بر تعریفی خاص از دین دارد. در این تعریف دین که جمع آن ادیان است، به معنای شریعت و قانون الهی است که از جانب خدا و به واسطه رسولان بر انسان‌ها نازل شده است (شیرازی، ۱۳۸۷: ۹۴). پذیرش این تعریف متوقف بر بررسی مبانی جهان‌شناسی اسلام در امکان وجود جهان غیب و وجود خداوند به‌عنوان خالق دین است. اما دنت نه به بررسی این جهان‌شناسی می‌پردازد نه نقدهای او در نفی امکان بُعد ماورایی دین می‌تواند نافی این جنبه مهم از دین باشد.

اما بحث فطری بودن منشأ دین‌داری اشاره بر علل گرایش انسان به دین دارد. توجه به تفاوت دین و دین‌داری در این منظر اهمیت ویژه دارد. در این دیدگاه، دین‌خواهی حاصل سرشت و طبیعت درونی انسان است و ازاین‌رو مفهوم خدا و دین با عقل و منطق بشر و تمایلات فطری‌اش سازگاری دارد (طباطبایی، ۱۳۶۴: ۳).

واژه فطرت در آیه سی سوره رُم از قرآن کریم با هیئتی خاص، دلالت بر نوع و گونه می‌کند. ازاین‌رو «فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» یعنی گونه‌ای خاص از آفرینش که انسان‌ها به آن گونه ساخته شده‌اند (مطهری، ۱۳۹۵: ۳ / ۴۵۵ ـ ۴۵۱). علامه طباطبایی درباره مفاد آیه می‌فرماید خداوند در این آیه از انسان می‌خواهد به اقتضای ساختار درونی خود رفتار کند؛ یعنی به اقتضای دینی که گفته شده واجب است به سمت او اقامه وجه شود؛ همان دینی که خلقت و ساختار شناختی انسان به آن هدایت می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۱۶ / ۲۷۸).

به نظر طباطبایی، انسان به حسب ساختار وجودی‌اش، حقیقت‌جوست. او این میل را کسب نکرده، بلکه وجود چنین میلی در درونش به‌طور ذاتی است. اگر هم گاهی زیر بار حق نمی‌رود، به دلیل گرفتار شدن به خطا یا اشتباه است (طباطبایی، ۱۳۹۵: ۳۵). در این دیدگاه انسان با تکیه بر ساختار شناختی خود، با مشاهده هر پدیده‌ای، علت و سبب آن را جست‌وجو می‌کند و همین حس جست‌وجوگری، منجر به آن می‌شود که درباره پیدایش جهان آفرینش کنجکاوی کند و ازاین‌رو دلایلی را بر وجود خدا می‌یابد. به نظر ایشان، از آنجا که مفهوم خدا و دین با طبیعت عقلانی انسان سازگاری دارد، جست‌وجوی علل خاص روانی، اجتماعی و اقتصادی برای دین، امر درستی نیست. علامه می‌گوید کسانی که این عوامل را برای دین نام برده‌اند گمانشان بر این بوده که عامل منطقی و عقلانی نمی‌توانسته است دلیل دین باشد (علمی، ۱۳۸۲: ۶۹). البته این‌گونه نیست که به هیچ عنوان نباید مفاهیم دینی را در دل مباحث اجتماعی جست‌وجو کرد (موحد، ۱۳۸۸: ۱۶۳ ـ ۱۶۲)، بلکه آنچه در این دیدگاه نفی می‌شود روندهای کور،

بی‌هدف و خالی از مقوله معرفت است که به‌عنوان منشأ دین‌داری معرفی می‌شود. اندیشمندان اسلامی در توجه به همین تأثیرپذیری دین از دیگر پدیده‌هاست که رأی به اجتماعی بودن خاستگاه دین داده‌اند.

اما اجتماعی بودن خاستگاه دین نیز ناظر بر تعریف دین به‌عنوان شریعت و دستورالعمل الهی برای سعادت دنیوی و اخروی انسان است. مفسران و متکلمان مسلمان با تکیه بر آیات و روایات بر این امر اتفاق‌نظر دارند که اولین شریعت آسمانی با رسالت حضرت نوح‌علیه‌السلام و پس از آنکه مردم به دلیل پاره‌ای از مسائل اجتماعی دچار ناسازگاری شده بودند، نازل شد (صدر، ۱۳۹۳: ۳۱۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۹۵؛ هاشمی، ۱۳۸۶: ۵۳). این مطلب چگونگی تأثیر روندهای اجتماعی بر دین به‌عنوان شرایع آسمانی را نشان می‌دهد. جامعه هرچند در پیدایش و تشریع برخی شرایع تأثیر داشته، هیچ‌گاه دلیل پیدایش دین معرفی نشده، بلکه جامعه تنها محل ظهور دین بوده و علت پیدایش دین خداست (علمی، ۱۳۸۲: ۷۴).

نتیجه

بررسی و ارزیابی کتاب ***شکستن طلسم*** نشان می‌دهد دنت در ارائه نظام جدید مبتنی بر علم در تبیین مادی پدیده دین ناموفق است. او دریافته است که دین به‌عنوان نهادی قدرتمند در قرن بیست‌ویکم ایفای نقش می‌کند. ازاین‌رو در مقابله با آن دست به مخدوش کردن چهره دین می‌زند. دنت این وظیفه را با تمسک به سلاح هژمون غالب فرهنگی که اعتقاد عمیقی به کارایی علم و دستاوردهای آن دارد انجام می‌دهد و خود را نماینده علم، و دین را چون خرافه معرفی می‌کند. اگرچه دنت در ارائه مطالبش با زبانی ساده، روان و جذاب موفق جلوه می‌کند، ارزیابی دقیق این اثر حاکی از وجود چالش‌های معرفتی و سفسطه‌هایی است که ستون فقرات ادعاهای او درباره چیستی، منشأ و تکامل دین را دچار اعوجاج و تزلزل می‌کند.

منابع و مآخذ

۱. الیاده، میرچا (۱۳۹٤). ***تاریخ اندیشه‌های دینی***. ترجمه مانی صالحی علامه. تهران: نیلوفر.

۲. الیاده، میرچا (۱۳۹۹). ***رساله در تاریخ ادیان***. ترجمه جلال ستاری. تهران: سروش.

۳. الیاده، میرچا و علیرضا اسماعیل‌پور (۱۳۸۹). در جست‌وجوی منشأ دین. ***هفت آسمان***. ۱۲ (۱). ۱۵۹ ـ ۱۳۹.

٤. ایرجی‌نیا، اعظم (۱۳۹۸). واکاوی نو از دین به‌مثابه ذاتی متعین و فراطبیعی با تکیه بر آرای ملاصدرا همراه با نقدی بر دیدگاه فروید. ***پژوهش‌های عقلی نوین***. ٤ (٤). ١٤٦ ـ ١٢٧.

۵. ایورت، جان ر. (۱۳۳۷). ***مذهب در آزمایش‌ها و رویدادهای زندگی***. ترجمه مهدی قائنی. تهران: چراغ راه.

٦. پازارگاد، بهاءالدین (۱۳٤۷). ***تاریخ و فلسفه مذاهب جهان از دوران‌های دور تا این زمان***. تهران: نشر گوتنبرگ.

۷. پوریانی، محمدحسین و سید علی‌اصغر میرخلیلی (۱۳۹۳). مقایسه نگاه کارکردی به منشأ دین از منظر دانشمندان غربی و اسلام. ***اسلام و مطالعات اجتماعی***. ۲ (٤). ۱٦۰ ـ ۱۳٦.

۸. توکلی، غلام‌عباس (۱۳۸۹). ***نظریه‌های جامعه‌شناسی***. تهران: سمت.

۹. جوادی اسلم، محمد (۱۳۸۷). میرچا الیاده و پدیدارشناسی دین. ***معرفت***. ۱۷ (۲). ۱٤٤ ـ ۱۲۹.

۱۰. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸٤). ***فطرت در قرآن***. قم: اسراء.

۱۱. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). ***تسنیم***. قم: اسراء.

۱۲. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰). ***منزلت عقل در هندسه معرفت دینی***. تحقیق احمد واعظی. قم: اسراء.

۱۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۲). ***تبیین براهین اثبات خدا***. تحقیق حمید پارسانیا. قم: اسراء.

۱٤. حسین‌زاده، محمد (۱۳۸۵). ***مبانی معرفت دینی***. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

۱۵. خاتمی، محمود (۱۳۸۸). ***پدیدارشناسی دین***. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۱٦. خاتمی، محمود، ۱۳۹٦، ***مدخل فلسفه تکامل زیستی***، تهران، نشر علم.

۱۷. خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۵). ***فلسفه شناخت***. قم: دفتر نشر معارف.

۱۸. خسروپناه، عبدالحسین، ۱۳۸۸، ***کلام جدید با رویکرد اسلامی***، قم، دفتر نشر معارف.

۱۹. خیاط کاشانی، محسن و میرسعید موسوی کریمی (۱۳۹۹). بررسی و نقد استدلال‌های دنیل دنت در کتاب از باکتری تا باخ درباره ماهیت آگاهی. ***هستی و شناخت***. ۷ (۲). ٦۲ ـ ٤۱.

۲۰. دانشور نیلو، یوسف (۱۳۹۷). فرگشت و الحاد جدید. ***ویژه‌نامه بررسی و نقد الحاد جدید***. قم: افق حوزه.

۲۱. دنت، دنیل (۲۰۰٦ م). ***شکستن طلسم (دین به‌عنوان پدیده طبیعی)***. ترجمه امیر منیعی. سایت کتابناک. رسته فلسفه دین: https://ketabnak.com/book/9518

۲۲. سلیمانی، عبدالرحیم (۱۳۹۰). سخنی در باب نشئت و تکامل دین. ***مطالعات معنوی***. ۱ (۲). ۳٦ ـ ۷.

۲۳. شجاعی زند، علیرضا (۱۳۸۳). منشأ دین و ریشه دین‌داری؛ تنقیح بحث و طرح یک ایده. ***علوم اجتماعی***. ش ۲ (٤). ۱۳۲ ـ ۱۰۵.

۲٤. شجاعی‌زند، علیرضا (۱۳۹۱). روندهای شکل‌گیری دین‌داری. ***علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد***. ۲۰ (٤). ۱۰۲ ـ ۷۷.

۲۵. شهبازی، علی (۱۳۹۹). ***الحاد جدید***. تهران: نگاه معاصر.

۲٦. شیرازی، صدرالدین (۱۳۸۷). ***تفسیر القرآن الکریم***. تصحیح محمد خواجوی. قم: بیدار.

۲۷. صادقی، رضا (۱۳۹۳). ماتریالیسم و امکان آگاهی. ***معرفت فلسفی***. ۱۱ (۱). ۸٤ ـ ۵۹.

۲۸. صدر، سید محمدباقر (۱۳۹۳). ***سنت‌های تاریخ در قرآن***. ترجمه جمال موسوی اصفهانی. قم: نشر اسلامی.

۲۹. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۵۹). ***خلاصه تعالیم اسلام***. قم: دار التبلیغ اسلامی.

۳۰. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳٦۲). ***اعجاز قرآن***. تهران: نشر فرهنگی رجاء.

۳۱. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳٦٤). ***اصول فلسفه و روش رئالیسم***. تهران: صدرا.

۳۲. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۸). ***ترجمه تفسیر المیزان***. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۳۳. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۸۳). ***نهایة الحکمه***. تعلیق غلامرضا فیاضی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس‌سره.

۳٤. طباطبایی، سید محمدحسین (۱٤۳۰ ق). ***بدایة الحکمه***. تحقیق و تعلیق عباس‌علی زارعی. قم: نشر اسلامی.

۳۵. عادلی، عبدالعلی (۱٤۰۱). نقد نظریه‌های جامعه‌شناختی منشأ دین با رویکرد قرآنی. ***معرفت***. ۳۱ (۲). ۵۸ ـ ٤۵.

۳٦. علمی، قربان (۱۳۸۲). بررسی منشأ دین از دیدگاه دورکیم و طباطبایی. ***مطالعات اسلامی***. ۱۹ (۲). ۹۰ ـ ۵۷.

۳۷. فرامرز قراملکی، احد (۱۳۹۵). ***روش‌شناسی مطالعات دینی***. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

۳۸. فصیحی، امان‌الله (۱۳۹۰). ***منطق کارکردی و دفاع از دین***. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس‌سره.

۳۹. قدردان قراملکی، محمدحسن (۱۳۸۳). ***معجزه در قلمرو عقل و دین***. قم: بوستان کتاب.

٤۰. قنبری، حسن (۱۳۹۰). دین از نگاه میرچا الیاده. ***ادیان و عرفان***. ش ۱ (۱).

٤۱. لکزایی، مهدی (۱۳۸۷). فردریش مکس مولر و علم ادیان. ***پژوهش‌نامه ادیان***. ۱ (٤). ۱۵۲ ـ ۱۳۷.

۴۲. مطهری، مرتضی (۱۳۹۵). ***مجموعه آثار***. تهران: صدرا.

۴۳. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۱). ***تفسیر نمونه***. تهران: دار الکتب الاسلامی.

۴۴. موحد، مجید و مینا صفا (۱۳۸۸). رویکرد جامعه‌شناختی به مفهوم خدا. ***آینه معرفت***. ۷ (٤). ۱۳۷ ـ ۱۷۰.

۴۵. هاشمی رفسنجانی، اکبر و همکاران (۱۳۸٦). ***تفسیر راهنما***. قم: بوستان کتاب.

46. Boyer, Pascal (2001), ***Religion Explained: The Evolutionary Origins of Religious Thought***. New York: Basic Books.
47. Daniel Dennett vs Alvin Plantinga, Debate YouTube 2009: https://www.youtube.com/watch?v=f06J2R4MwGA
48. Dennett, Daniel (1996), ***Darwins Dangerous Idea: Evolution and the Meanings of Life***. London: Penguin Group.
49. Durkeim, Emile (1954), ***Elementary forms af religious life***. tr By J. W. Swaim. New York: Macmillan.
50. Lawson, Thomas (2002), ***Bringing Ritual to Mind: psychological foundations of Cultural***. Cambridge: Cambridge University Press.
51. Wieseltier, Leon (2006), The God Genome. ***The New York Times***.
52. Wuketits, F. M (1986), Evolution as a Cognition Process: Towards an Evolutionary Epistemology. ***Biology and Philosophy***. 1 (1). 191-206.